



امضای قرارداد با کنسرسیوم شادنیز دریای خزر در جمهوری آذربایجان



امضای قرارداد فاز ۱۱ پارس جنوبی با توتال و شرکت نفت مالی

مشروط بر اینکه از ابتدا تکلیف سهم گاز مصرفی شان مشخص شود.

■ با توجه به مباحثی که مطرح کردید، نقش سیاست خارجی را در این بین چطور می بینید؟

بر اساس تجربه شخصی، تحریم ها قابل حل هستند، به شرطی که برای حل آنها مذاکره به درستی و حساب شده انجام شود. لابی نفتی در آمریکا بسیار قدرتمند است و حتی از لابی تسلیحاتی هم تأثیرگذارتر است. ایران ظرفیت های عظیمی دارد و طرف مقابل تکنولوژی و سرمایه؛ اگر توازن میان این دو به درستی مدیریت شود، می توان هم منافع ایران و هم منافع طرف مقابل را تأمین کرد.

پیشنهاد من این است که در مذاکرات، حتماً دیپلمات های نفتی و اقتصادی توأمان حضور داشته باشند تا طرف مقابل بداند ایران برای معامله جدی آمده است، نه صرفاً گفت وگوهای سیاسی. بدون دیپلماسی فعال و مدیریت حرفه ای مذاکره، توسعه پایدار صنعت پتروشیمی ممکن نخواهد بود. در حقیقت دیپلماسی نفتی؛ حلقه مفقوده توسعه پایدار است. ▶

■ با این حال امروز تأمین خوراک را بزرگ ترین چالش صنعت

پتروشیمی می دانید؟

بی تردید مهم ترین چالش، تأمین خوراک است. هنوز بخشی از ظرفیت های موجود به دلیل کمبود خوراک غیرفعال مانده است. آمار و ارقام صعودی که در سال های قبل به ثبت رسیده است نشان می دهد پتروشیمی ستون اقتصاد غیرنفتی کشور است، اما بدون تأمین پایدار خوراک، توسعه آن ممکن نیست.

■ راهکار شما برای حل این چالش چیست؟

دو راهکار جدی برای حل مسأله تأمین خوراک وجود دارد: اول، جمع آوری گازهای فلر که امروز هم سرمایه ملی را هدر می دهند و هم محیط زیست را تخریب می کنند و راهکار دوم هم، مشارکت شرکت های خصوصی و بزرگ پتروشیمی و فولادی در توسعه میادین گازی است.

این شرکت ها منابع مالی کافی دارند و اگر چهارچوب قراردادها و سهم خوراک مصرفی از ابتدا شفاف باشد، می توانند در بالادست سرمایه گذاری کنند و بخش مهمی از مشکل خوراک را حل کنند،

تحریم ها قابل حل هستند، به شرطی که برای حل آنها مذاکره به درستی و حساب شده انجام شود. لابی نفتی در آمریکا بسیار قدرتمند است و حتی از لابی تسلیحاتی هم تأثیرگذارتر است

